

واکنش اعضای شورای شهر تهران به جابه‌جایی مدیران در شهرداری تهران

صندلی بازی در بهشت

«**نورا حسینی**؛ شهردار تهران این روزها در مراسم معارفه معاونان سابقش شرکت می‌کند و گواهی به کار آمدی آنها می‌دهد. اما مشخص نیست با این سطح رضایت از عملکرد آنها چرا دست به جابه‌جایی و تغییر مدیران سابقش زده است.او در مراسم معارفه معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران گفته است که می‌توانم

شهادت دهم که آقای شفیعی در این یک سال دوره مسئولیت، برای شهر کم‌فروشی نکرد و تمام علم و دانش و تلاش را برای شهر به کار گرفت و با همه وجودم از ایشان تشکر می‌کنم؛ تشکر دیگر از ایشان هم به این دلیل است که پذیرفتم هم به عنوان مشاور شهردار و هم به عنوان مدیرعامل سازمان حمل‌ونقل در خدمت ایشان باشم. در دوره جدید شرایط ویژه‌ای را باید دنبال کنیم؛ سال گذشته جنبه اشراف و انجام اقدامات زیرساختی داشت تا بتوانیم در مشرری قرار بگیریم که با مسئولیت‌پذیری که نسبت به مسائل تهران داریم، گره از زندگی مردم باز کنیم لذا سال قبل در حوزه مالی و اقتصادی طبق آخرین برداشتی که صورت گرفت، موفق شدیم که ۹۹ درصد از منابع را محقق کنیم.

شهردار تهران در مراسم خداحافظی ابوالفضل فلاح معاون سابق مالی شهرداری که تنها یک سال در شهرداری تهران فعالیت کرد، گفت که در کام و سیال اول مدیریت شهری از گرده‌هایی مانند تنش مالی و رکود در شهر عبور کردیم. تدابیر آقای فلاح در معاونت مالی باعث شد که ۹۹ درصد منابع نقد و غیرنقد را تأمین کنیم و در کنار آن سامان‌یافتگی بحث دستمزد پرسنل، فرصتی برای ما فراهم کرد که بتوانیم بدون دغدغه پرداخت حقوقشان را داشته باشیم.

او در وصف کارنامه یک‌ساله مدیر کنار گذاشته شده گفت: اصلاح رویه‌ها و ایجاد شرایط مناسب برای استیفای حق و حقوق شهر در این یک سال انجام شد، به عنوان مثال در بازپس‌گیری املاک، بحث ارزش‌افزوده و دریافت امکانات از طریق دولت و تزریق آن به مجموعه و نیز تصحیح روندها و رویه‌ها شرایط را برای ما مطلوب‌تر کرد.

زاکانی عبور از ابهامات و ایجاد شفافیت را سرفصل دیگری از اقدامات برشمرد و ادامه داد: این کارها انجام شد تا براساس آن از بسیاری از مفسده‌ها جلوگیری شود و نیز کام‌های مؤثر دیگری مانند خرید از بورس و ارائه املاک به صورت شفاف در بورس گذاشته شود. در زمینه جنبه‌های مشارکتی هم اقدامات بسیار خوبی از جمله شناسایی ۲۳۱ پروژه انجام شد. سجاد محمدعلی نژاد مشاور و مدیرکل حوزه شهردار

«شرق» از انتقاد ناشنوایان گزارش می‌دهد

اختلال در اینترنت و مشقت‌های ناشنوایان

سمیه جاه‌عدائیان؛ مواعی برای یک ناشنوا زیاد است؛ برقراری تماس با اورژانس، آتش‌نشانی، اسنپ و تاکسی‌های اینترنتی، مراجعه به پزشک، پلیس و... کار بسیار دشواری است. اگر یک کار فوری و حیاتی پیش آید، نمی‌توانند اورژانس خبر کنند. تنها با وجود یک رابط و مترجم زبان اشاره می‌توانند به پزشک بروند یا در بیمارستان بستری شوند. «مهشید» ۳۸ سال دارد و ناشنواست؛ او از رسانه‌ها انتقاد دارد: «سالی یک بار سراغ افراد ناشنوا می‌آیند مثل اینکه بعد از این روز مشکلات ما حل شده و دیگر مشکلی نداریم در حالی که مشکلات ما همیشگی، ریشه‌ای و بسیار طاقت‌فرساست. ما امسال دیگر به مناسبت هفته جهانی ناشنوایان مجبور به سکوت بودیم، چراکه فقط اینترنت مختل نشده بلکه مشکلات ما ناشنوایان هم مختل شده است. وقتی اینترنت نداریم دیگر از وجود کدام‌یک از مشکلاتمان صحبت کنیم؟».

او به‌تازگی زامیان کرده و تمام جلسات و دوره‌های کجاپ را با یک رابط و مترجم در مطب دکتر زنان و زایمان همراه شده است. او می‌گوید: «رابط و مترجم من، از دوستانم بوده اما بسیاری از ناشنوایان برای مشکلات درمانی‌شان نمی‌توانند با یک مترجم و رابط راحت باشند یا نمی‌شود به همه‌شان اعتماد کرد و آنها را با خود به اتاق پزشک برد. ما ناشنوایان در بسیاری از موارد مگر در زمان‌های اورژانسی که دیگر درد به سراغمان می‌آید، به پزشک مراجعه می‌کنیم و در بیشتر موارد خوددرمانی می‌کنیم و قید رفتن به مطب و مراجعه به متخصص را می‌زنیم. ما سختی‌های زیادی به خاطر سخت‌بودن ارتباط

با دیگران درمیان و این روزها که دسترسی به فضای مجازی سخت‌تر شده و اینترنت هم مختل می‌شود، مشکلاتمان مضاعف و نگرانی‌هایمان چندین برابر می‌شود.

بی‌کاری و نگرانی ناشنوایان از قطعی اینترنت

«شیدای شهیدی» فعال حقوق ناشنوایان مشکلات افراد ناشنوا را بسیار دیرینه دانسته و نسبت به حل‌نشدن بسیاری از مشکلات قدیمی و ریشه‌ای، انتقادات فراوانی دارد. او و خانواده‌اش با مشکلات ناشنوایی دست و پنجه نرم

می‌کنند و قطعی‌ای این روزهای اینترنت زندگی‌شان را مختل کرده است؛ «امسال به مناسبت هفته جهانی ناشنوایان به جای آنکه در عصر ارتباطات در مورد مسائل مهم‌تری که از دغدغه‌های افراد ناشنوا و کم‌شنواست، صحبت کنیم، باید به قطعی اینترنت هم اشاره کنیم که مشکلات بسیار زیادی را برایمان ایجاد کرده است. این یعنی پسرقت و عقبگرد؛ مادرم ناشنواست و تنها زندگی می‌کند. سن بالایی دارد و باید هر روز با او به وسیله تماس تصویری، ارتباط برقرار کنم اما متأسفانه اختلال اینترنت مشکلات زیادی را برای ما و بسیاری از افراد ناشنوا به وجود آورده است. نگران هستم که اگر مادر سالخورده‌ام بیمار شود و شرایط اورژانسی پیدا کند، چطور می‌توانم متوجه شوم و به او کمک کنم». وی شرایط زندگی افراد ناشنوا را با وجود داشتن اینترنت، امکان استفاده از فضای مجازی و امکان برقراری ارتباط تصویری بهتر و مفیدتر می‌داند و می‌افزاید: «در حال حاضر ۹۰ درصد از جامعه ناشنوایان به‌خصوص افرادی که به دلیل سن بالا یا کم‌سوادی، توان نوشتن و زدن پیام ندارند، از طریق تماس تصویری امکان برقراری ارتباط و تعامل با دیگران را دارند. اشتغال

تعداد زیادی از افراد ناشنوا هم به اینترنت و فضای مجازی نیاز دارد که اختلال

اینترنت مشکلات جدید و فراوانی ایجاد کرده و بسیاری از ناشنوایان شغل خود را از دست داده‌اند و بسیار نگران هستند. پیداکردن شغل جدید برای ناشنوایان بسیار سخت و اغلب ناممکن است و ما در بیشتر مواقع مجبور هستیم به واسطه اینترنت و فضای مجازی کار کنیم».

این فعال حقوق ناشنوایان سختی‌های افراد کم‌شنوا و ناشنوا را روزافزون و طاقت‌فرسا توصیف می‌کند که از دسترس خارج‌شدن فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی بر مشکلاتشان می‌افزاید؛ کم‌حمایت نمی‌شویم، مستمری بهزیستی برای افراد ناشنوا بسیار ناچیز است. مصرف اینترنت ناشنوایان بالا بوده و به خاطر برقراری تماس‌های تصویری مجبور به خرید مداوم و بالای حجم و بسته‌های اینترنت هستند که البته ناشنوایان در این مورد ناچار هستند و در این زمینه یا هر سختی و فشاری هزینه می‌کنند. اما قطع‌شدن اینترنت برایمان بسیار مشکل‌ساز شده است. رابط ما با همه قطع شده و به‌خاطر ترافیک و هزینه‌های رفت‌وآمد امکان ملاقات حضوری هم کمتر برایمان فراهم می‌شود».

ناشنوایان، توانمندان بی‌حمایت

«مهسا خان‌احمدی» هنرمند و مدرس نقاشی برای افراد ناشنوا و شنواست که در رشته نقاشی به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته و آثار هنری ارزنده‌ای از خود بر جا گذاشته است؛ از ابتدای تولد ناشنوا بوده اما به لب‌خوانی تسلط بسیاری دارد. این فعال و هنرمند حوزه معلولان درمورد مشکلات متعدد جامعه ناشنوایان به خبرنگار «شرق» چنین می‌گوید: «سال‌ها گفتیم و تقاضا کردیم که ناشنوایان برای برقراری ارتباط در زندگی روزانه و برای کارهای مهم به رابط و مترجم نیاز دارند. ما برای این ویزیت پزشک، بیمارستان، دادگاه، کلاتری، انجام کارهای ضروری اداری و... مشکلات زیادی داریم. بارها در مراجعه به بیمارستان یا مطب پزشک، مشکلات و مسائل را روی کاغذ نوشتیم و به پزشک گفتیم که ناشنوا

هستیم اما پزشک به دلیل عدم آگاهی یا هر بهانه دیگر، باز ماسکش را روی صورت گذاشته و کمکی برای برقراری ارتباط درست با ما نکرده است. بارها وقتی با وجود ماسک متوجه صحبت‌ها و سؤالات دکتر نمی‌شویم، عصبانی می‌شوند و توضیح ما برایشان قانع‌کننده نبوده است. البته پزشکانی هم هستند که همکاری خوبی دارند. دوران کرونا بر ما بسیار سخت گذشت و ما همچنان به خاطر ماسک با مشکلات ارتباطی زیادی روبه‌رو هستیم». او وجود رابط ناشنوایان را با وجود حمایت‌های دولتی از ناشنوایان برای پرداخت هزینه‌ها مؤثر می‌داند؛ «بسیاری از ناشنوایان توان پرداخت هزینه‌های رابطان را ندارند. اگرچه رابطانی وجود دارند که به صورت خودجوش به افراد ناشنوا کمک می‌کنند اما افراد ناشنوا نمی‌توانند و نمی‌خواهند از این کمک‌های دلسوزانه رابطان بهره‌مند شوند و از طرفی توان پرداخت هزینه همراهی با آنها و پرداخت هزینه رفت و برگشتشان را هم ندارند؛ حمایت‌هایی که از افراد دارای معلولیت می‌شود بسیار بیشتر از حمایت‌های صورت‌گرفته از افراد ناشنوا و کم‌شنواست چراکه معلولیت این افراد پنهان بوده و به چشم

شورا گزارشی ارائه دادند یا در رسانه‌ها حضور پیدا می‌کردند، از موفقیت‌های حوزه مالی می‌گفتند و شما اگر حتی مراسم تودیع معاون قبلی مالی شهرداری را هم ملاحظه کنید، تماما در تایید عملکرد وی سخن گفته‌اند، اگر واقعیت این است برای من به عنوان یک عضو کمیسیون بودجه شورا این سؤال مطرح است که مدیری که آن‌قدر موفقیت دارد که همیشه در رأس گزارش‌های عملکرد شهرداری بود، چرا تغییر پیدا کرده است؟ چه مشکلی وجود داشته که نتوانست کارش را ادامه دهد. نکته دوم؛ جابه‌جایی برخی از معاونان است که اگر این مدیران در مسئولیتشان در معاونت موفق بودند، چرا در همان معاونت فعالیتشان را ادامه ندادند. معاونت‌های پرمسئولیت هم بودند، اگر بعد از یک سال ارزیابی موفق نبودند چرا به معاونت جدید آمدند و این حادثه باز هم می‌تواند در سال آینده تکرار شود. این سؤالاتی است که ما هم به عنوان یک عضو شورای شهر داریم و از شهردار تهران می‌خواهیم که اگر صلاح دیدند در شورا وگرنه در رسانه‌ها این را برای افکار عمومی و اعضای شورا توضیح بدهند که معیار این جابه‌جایی‌ها چه بوده است؟

این عضو شورای شهر تهران سخنان گذشته خود درباره احکام یک‌ساله را یادآوری کرد و گفت که من از همان ابتدا از شهردار خواستم که احکام یک‌ساله نباشد و سعی کند حداقل یک نگاهی هم به درون شهرداری داشته باشد. واقعا ضمن شورا گزارشی ارائه دادند یا در رسانه‌ها حضور پیدا می‌کردند، از موفقیت‌های حوزه مالی می‌گفتند و شما اگر حتی مراسم تودیع معاون قبلی مالی شهرداری را هم ملاحظه کنید، تماما در تایید عملکرد وی سخن گفته‌اند، اگر واقعیت این است برای من به عنوان یک عضو کمیسیون بودجه شورا این سؤال مطرح است که مدیری که آن‌قدر موفقیت دارد که همیشه در رأس گزارش‌های عملکرد شهرداری بود، چرا تغییر پیدا کرده است؟ چه مشکلی وجود داشته که نتوانست کارش را ادامه دهد. نکته دوم؛ جابه‌جایی برخی از معاونان است که اگر این مدیران در مسئولیتشان در معاونت موفق بودند، چرا در همان معاونت فعالیتشان را ادامه ندادند. معاونت‌های پرمسئولیت هم بودند، اگر بعد از یک سال ارزیابی موفق نبودند چرا به معاونت جدید آمدند و این حادثه باز هم می‌تواند در سال

آینده تکرار شود. این سؤالاتی است که ما هم به عنوان یک عضو شورای شهر داریم و از شهردار تهران می‌خواهیم که اگر صلاح دیدند در شورا وگرنه در رسانه‌ها این را برای افکار عمومی و اعضای شورا توضیح بدهند که معیار این جابه‌جایی‌ها چه بوده است؟

این عضو شورای شهر تهران سخنان گذشته خود درباره احکام یک‌ساله را یادآوری کرد و گفت که من از همان ابتدا از شهردار خواستم که احکام یک‌ساله نباشد و سعی کند حداقل یک نگاهی هم به درون شهرداری داشته باشد. واقعا ضمن

نمی‌آید. این در حالی است که افراد ناشنوا توانمندی، هوش و استعداد بسیار زیادی دارند که در صورت حمایت از آنها افراد مفید و مؤثرتری برای جامعه خواهند بود.

گرانی تعمیر سمک‌های خراب و فرسوده

«اکرم لیاف‌خانیکی»، مدیر سابق مدرسه باغچه‌بان یک (مدرسه ویژه ناشنوایان)، در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق» به مشکلات بسیاری از کودکان، نوجوانان و جامعه ناشنوا و کم‌شنوا در ایران اشاره می‌کند؛ «یکی از مشکلاتی که تمام خانواده‌ها با آن روبه‌رو می‌شوند، مسئله عدم پذیرش مشکل در تشخیص ابتدایی ناشنوایی یا کم‌شنوایی در ابتدای تولد است که والدین را با دغدغه‌های فراوانی روبه‌رو می‌کند. بسیاری از خانواده‌ها بعد از سپری‌کردن مرحله پذیرش، سعی می‌کنند تا بچه را به جامعه عادی برگردانند و به خاطر موفق‌بودن کاشت حلزون در میان برخی بچه‌ها و تأثیر مثبت روی تکلم‌شان، اصرار به انجام کاشت حلزون دارند. بعضی از بچه‌ها که درگیر مشکلات شنوایی خفیف هستند، نمی‌توانند کاندیدای کاشت حلزون باشند و برخی خانواده‌ها هم از نظر اقتصادی توان مالی پرداخت هزینه‌های آن را ندارند که این مسائل هرکدام مشکلاتی را به همراه دارند. با بزرگ‌ترشدن فرزند که یا از سمعک استفاده می‌کند یا پروتز کاشت حلزون شده است، مشکلات همچنان پابرجا بوده و حتی جدی‌تر می‌شود».

مشکلات اقتصادی این خانواده‌ها برای رسیدن به شرایط ایدئال بسیار زیاد است؛ «سمعک و باتری‌های سمعک بسیار گران هستند. بچه‌هایی که مشکل شنوایی خفیف و متوسط دارند، باید از این سمعک‌ها استفاده کنند. ورق باتری سمعک وارداتی شش‌عددی حدود ۵۰ هزار تومان است. هزینه استهلاک و تعمیرات سمعک و قطعات آن هم بالا بوده و به خاطر تحریم‌ها و نبود قطعات، سمعک‌ها برای مدت طولانی در مسیر تعمیر می‌مانند و کم‌شنوایان را با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌کنند. قیمت سمعک درجه پایین از چهار میلیون تومان شروع می‌شود و به قیمت‌های بسیار بالا و سرسام‌آور می‌رسند. سمعک بچه‌هایی که شیپنت دارند یا پیش‌فعال هستند، نیاز به تعمیرات اساسی دارند و ممکن است در طول یک سال به دو سمعک نیاز داشته باشند که خانواده‌ها باید در این زمینه حمایت شوند».

دردسر تعمیر قطعات بیرونی پروتز کاشت حلزون

این فعال حوزه ناشنوایان درمورد مشکلات مربوط به کاش حلزون در میان خانواده‌ها تأکید می‌کند؛ «سازمان بهزیستی و سازمان آموزش و پرورش استثنائی بخش زیادی از هزینه‌های مربوط به کاشت حلزون را تقبل می‌کنند، با این پیش‌شرط که بچه در سن زبان‌آموزی یعنی یک‌سال و نیم، دو سال تا پنج سال باشد. اگر سن بچه از این زمان سپری شود، خانواده باید هزینه‌های کاشت حلزون را به صورت آزاد پرداخت کند که از عهده بسیاری از خانواده‌ها نیز خارج است. مشکلات تحریم قطعات پروتز کاشت حلزون باعث شده تا خانواده‌هایی پشت نوبت و ثبت‌نام کاشت حلزون بمانند و زمان زبان‌آموزی را سپری کنند و دولت بعد از این زمان هزینه‌ها را تقبل نخواهد کرد؛ تعمیرات قطعات بیرونی پروتز کاشت حلزون هم در صورت خرابی، نیاز به تعمیر دارند که تحریم باعث شده خانواده‌ها برای مدت طولانی منتظر باشند که یک قطعه در داخل کشور موجود و کار تعمیرات با تأخیر زیادی انجام شود».

مدیر سابق مدرسه باغچه‌بان با اشاره به وجود اختلاف طبقاتی میان خانواده‌های ناشنوایان می‌گوید: «خانواده‌هایی که توان مالی بیشتری دارند، فرزندشان را در مدارس استثنائی ثبت‌نام نمی‌کنند و با تقبل هزینه‌های بیشتر، در مدرسه عادی و غیردولتی ثبت‌نام کرده و از معلم‌های خصوصی بهره‌مند



شهردار منتقل می‌کنیم و این‌گونه نیست که برای عدم دخالت در انتصابات نظرات را نکوییم.

وی ادامه داد: آنچه در این‌ایام درباره جابه‌جایی مدیران رخ داده است، از نگاه من معدلش مثبت است و در صحبت کوتاهی‌که در این زمینه با شهردار تهران داشتم تأکید بر گروه‌شدن این مدیران در یک سال گذشته بود که همان‌طورکه به حوزه اختصاصی خود تسلط پیدا کرده، همکاری تیمی خوبی هم بین مدیران شکل گرفته و این هماهنگی به سرعت‌بخشی به شهروندان کمک می‌کند.

نادعلی ادامه داد: توجه به این هماهنگی و ماندن این تیم در کنار هم بسیار مهم بود و جابه‌جایی هم به این دلیل شکل گرفت. همه دوستانی‌که به مجموعه اضافه شدند دارای نقاط قوت خوبی هستند و باید برای برداشتن بارهای به‌زمین‌مانده در حوزه شهری تلاش کنند. در حال حاضر مهم‌ترین نیاز شهر تهران توسعه حمل‌ونقل عمومی است و برخی خدمات جزئی در حوزه پسماند که برای مردم مهم است و لازم است با اولویت به آن رسیدگی شود.

جابه‌جایی‌ها هنوز در شهرداری ادامه دارد. برخی از احکام سرپرستان سازمان‌های شهرداری مدت‌هاست از مهلت قانونی گذشته و حکم قطعی برای آنها صادر نشده است. برخی از احکام یک‌ساله هم زمانشان به پایان رسیده و به‌زودی موج تازه‌ای از احکام در شهرداری صادر می‌شود.

می‌شوند. از سمعک‌های وارداتی گران‌قیمت و پروتزهای باکیفیت استفاده می‌کنند؛ البته تنها ۱۰ درصد از خانواده‌های ناشنوایان از وضعیت مالی خوبی برخوردار هستند و مابقی در سطح اقتصادی متوسط و ضعیف جامعه قرار دارند که برای پرداخت هزینه‌های توان‌بخشی مثل گفتاردرمانی یا تربیت شنوایی با مشکلات مالی مواجه هستند».

ناشنوایان و معضل نداشتن اشتغال پایدار

معضل کمبود مدارس ویژه ناشنوایان در شهر تهران و شهرهای دیگر معضل مسئله‌ساز دیگری است؛ «تعدادی مدرسه عادی در هر خیابان اصلی جانمایی شده است؛ اما متأسفانه برای بچه‌های ناشنوا و استثنائی، به تعداد کافی مدرسه در نظر گرفته نشده است. در تهران تنها سه مدرسه سپرانه مختص ناشنوایان وجود دارد و هر بچه برای رفتن به مرکز شهر و مدرسه باغچه‌بان با وجود در نظر گرفته‌شدن سرویس مدرسه، مشکلاتی برای تردد دارد. هر بچه باید صبح زود بلند شود تا به سرویس مدرسه برسد و مسیر بسیار طولانی را با ترافیک و شلوغی فراوان از شرق یا غرب تهران طی کند که برای آنها و خانواده‌های‌شان بسیار است».

این فعال حوزه ناشنوایان، بی‌کاری و اشتغال را یکی از مشکلات قدیمی ناشنوایان و افراد کم‌شنوا عنوان می‌کند؛ «افراد ناشنوا بعد از سپری‌کردن دوران سخت ادامه تحصیل، برای اشتغال و شغل‌یابی با مشکلات زیادی روبه‌رو شده و به سختی وارد بازار کار می‌شوند. به‌عنوان نمونه مدارس استثنائی مطابق قانون، سه درصد از افراد دارای معلولیت را جذب می‌کنند. وقتی معلم ناشنوا و کم‌شنوایی در مدرسه استثنائی مشغول به کار می‌شود، خانواده‌ها اولیا به کادر مدرسه اعتراض می‌کنند که ما معلم ناشنوا نمی‌خواهیم و می‌گویند وقتی معلمی خودش این مشکل را دارد، چطور می‌تواند به بچه‌های ما که با ناشنوایی و کم‌شنوایی روبه‌رو هستند، آموزش دهد. این اتفاق و محدودیت تنها در قسمتی از جامعه است و مشکلات مربوط به اشتغال ناشنوایان بسیار وسیع است، وقتی ناشنوایی وارد بازار کار می‌شود، بازخورد تمام این اتفاقات و محدودیت‌ها ملموس است».

مدیر مرکز باغچه‌بان از معضلات ناشی از نبود ارتباط ناشنوایان و کم‌شنوایان با یکدیگر و با افراد عادی می‌گوید؛ «ناشنوایان دختر و پسر از زمان مدرسه تا دانشگاه با همدیگر فاصله دارند و همدیگر را نمی‌شناسند. تنها راه‌اندازی دانشگاه «فرشتگان» در تهران که در آن ناشنوایان با یکدیگر تحصیل کرده و افراد عادی هم در این دانشگاه حضور دارند، امتیاز خوبی برای تعامل آنها محسوب می‌شود. به غیر از این دانشگاه، امکان دیگری برای آشنایی ناشنوایان با یکدیگر وجود ندارد و خانواده‌ها نگران هستند که فرزند دختر و پسرشان برای شناخت بیشتر پیش از ازدواج، چه شرایطی را تجربه خواهند کرد. انزوا، تنهایی و افسردگی می‌تواند در کمین افراد ناشنوا و کم‌شنوا باشد که به‌ویژه در دوران کرونا بسیار تشدید شد».

به گزارش «شرق»، اگرچه هفته جهانی ناشنوایان تمام شده؛ اما خواسته جامعه ناشنوایان از رسانه‌ها و فعالان فضای مجازی این است که تمام روزهای سال درمورد مشکلات، مطالبات، نیازها و اخبار حوزه افراد ناشنوا و کم‌شنوا اطلاع‌رسانی شود. با این حال امسال مطابق با تجربیات سال‌های گذشته، قطعی و اختلال اینترنت مشکلات مضاعفی را برای قشر ناشنوا ایجاد کرد که انتظار می‌رود بهزیستی به‌عنوان تنها نهاد موظف به حمایت از افراد دارای معلولیت در کشور در این زمینه تدبیر جدی اندیشیده و همگام با اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، صدای این افراد را به گوش مسئولان بالادستی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان برسانند.